فهرست مطالب

مقدمه ۱۱

فصل اول: کلیـّـات ۱۵

۱- تعریف عقد ۱۵

۲- تعریف تعهد ۱۷

۳- تعریف متعهد ۱۸

۴- تعریف متعهدله ۱۹

۵- تعریف موضوع تعهد ۲۱

۶- تعریف مالکیت ۲۳

۷- تعریف تملیک ۲۴

۸- تعریف تملّک ۲۵

فصل دوم: عقود عهدی و تملیکی در ارتباط با مفاهیم اصلی ۲۷

۱- پژوهش لغوی در خصوص اصطلاحات با تاکید بر عقود عهدی و تملیکی ۲۷

۲- بررسی مفاهیم مرتبطبا عقود عهدی و تملیکی ۳۲

۲-۱- بررسی مفهوم مالکیت ذیل عنوان عقود عهدی و تملیکی ۳۳

۲-۲-بررسی مفهوم ملک ذیل عنوان عقود عهدی و تملیکی ۳۶

۲-۳-بررسی مفاهیم تملیک و تملک ذیل عنوان عقود عهدی و تملیکی ۳۸

۲-۴-بررسی مفهوم تعهد ذیل عنوان عقود عهدی و تملیکی ۴۴

۲-۴-۱-مفهوم تعهد و ارکان آن ۴۴

۲-۴-۱-۱-تعهدات قانونی ۴۶
۲-۴-۱-۲-تعهدات طبیعی ۴۷

فصل سوم: عقود عهدی و تملیکی در اصطلاح حقوقی..... ۴۹
۱- تعریف عقود عهدی و تملیکی ۴۹
۲- عقود عهدی و تملیکی در حقوق ایران ۵۴
۳- بیع و اجاره به عنوان مصادیق بارز مورد بحث ۶۳
۴- عقود عهدی و تملیکی در فقه و حقوق خارجی ۷۵
۴-۱-عقود عهدی و تملیکی در حقوق خارجی ۷۵
۴-۲-عقود عهدی و تملیکی در فقه ۸۵

فصل چهارم: آراء قضائی..... ۱۱۳
۱- اثبات وقوع عقد بیع و مطالبه وجه التزام ۱۱۳
۲- الزام به ایفای تعهد مبنی بر تحویل طلا ۱۱۶
۳- الزام به ایفای تعهد مبنی بر تحویل عین مستأجره(مرغداری) و مطالبه اجرت المثل ایام تصرف ۱۱۸
۴- اثبات وقوع عقد بیع، اعلام بطلان معامله، استرداد ثمن معامله و استرداد لاشه چک ۱۲۰
۵- اثبات وقوع عقد بیع نسبت به شش دانگ یک قطعه زمین و تسلیم و تحویل مورد معامله (الزام خواندگان) ۱۲۲
۶- اثبات وقوع عقد بیع ۳۵ تن سیمان و الزام به تسلیم مبیع ۱۲۵
۷- اثبات شراکت (عقود شراکت مورخ ۱۳۹۴/۰۸/۲۳ و ۱۳۹۶/۰۵/۰۱ و مطالبه سهم الشرکه ۱۲۷
۸- الزام به تنظیم سند رسمی ملک، اثبات مالکیت، الزام به ایفای تعهد مبنی بر تأمین آب به میزان هر هفته شش هزار لیتر و تسلیم مبیع ۱۳۰

۹- الزام به ایفای تعهد (موضوع قرارداد فروش دستگاه) ۱۳۳
۱۰- اثبات مالکیت، الزام به تنظیم سند رسمی، الزام به تسلیم مورد معامله (زمین) ۱۳۵
۱۱- اثبات وقوع عقد بیع با موضوع میوه تابستانه و مطالبه وجه بابت ثمن معامله ۱۳۷
۱۲- اثبات رابطه قراردادی (مشارکت در ساخت) الزام به ایفای تعهدات قراردادی و رفع نواقص موجود در ساختمان ۱۳۸
۱۳- الزام به فک پلاک خودرو پراید ۱۴۱
۱۴- اثبات شراکت نسبت به دو دانگ از شش دانگ منزل مسکونی و خلع ید ۱۴۳
۱۵- الزام خواندگان به استرداد اموال و مطالبه اجرت المثل ۱۴۶
۱۶- الزام به ایفای تعهد مبنی بر الزام به تحویل سکه طلا و طلای آب شده ۱۴۸
۱۷- اثبات وقوع عقد بیع (زمین) الزام به تنظیم سند رسمی و تسلیم مبیع ۱۵۰
۱۸- اعلام بطلان معامله به دلیل عدم تنفیذ و رد معامله فضولی ۱۵۲
۱۹- دعوت به صلح و سازش (گزارش اصلاحی) عقد صلح ۱۵۴
۲۰- اثبات مالکیت و الزام به تنظیم سند رسمی اتومبیل ۱۵۵
۲۱- الزام خوانده به تحویل زمین مورد معامله طبق تعهدنامه کتبی ۱۵۷
۲۲- اعلام بطلان معامله و ابطال سند رسمی و اثبات مالکیت، الزام به تنظیم سند رسمی و ابطال عملیات اجرائی ۱۵۸
۲۳- گزارش اصلاحی در خصوص اثبات مالکیت و الزام به تنظیم سند رسمی ۱۶۱
۲۴- تأیید فسخ قرارداد و ابطال سند رسمی ۱۶۲
۲۵- اثبات وقوع عقد بیع، الزام به اخذ صورتمجلس تفکیکی، الزام به اخذ پایان کار، الزام به تنظیم سند رسمی ملک ۱۶۳
۲۶- الزام به اخذ صورتمجلس تفکیکی، الزام به ایفای تعهد مبنی بر الزام به تجمیع پلاک‌های ثبتی، الزام به اخذ پایان کار ۱۶۵
۲۷- مطالبه وجه و الزام به انجام تعهد ۱۶۹
۲۸- الزام به انجام تعهد مبنی بر تحویل خودرو ۱۷۱
۲۹- اثبات مالکیت ۱۷۳

۳۰- گزارش اصلاحی (عقد صلح) تعهد به پرداخت..... ۱۷۴
۳۱- مطالبه غرامات و خسارات به لحاظ مستحق‌للغیر در آمدن مبیع..... ۱۷۶
۳۲- اثبات مالکیت و اثبات وقوع عقد بیع با موضوع یک دستگاه خودرو و الزام به تنظیم سند رسمی..... ۱۷۸
۳۳- اثبات پرداخت دین..... ۱۸۰
۳۴- الزام به اخذ پایان کار و الزام به اخذ صورتمجلس تفکیکی، اثبات وقوع بین و الزام به تنظیم سند رسمی آپارتمان..... ۱۸۲
۳۵- الزام به تنظیم سند رسمی خودرو و الزام به فک پلاک خودرو..... ۱۸۳
۳۶- الزام به ایفای تعهد مبنی بر احداث یک دستگاه پیست هوائی و صد متر شبکه برق متوسط هوایی..... ۱۸۵
۳۷- الزام خوانده به پرداخت اجور معوقه..... ۱۸۶
۳۸- اعلام فسخ قرارداد اجاره و الزام به ایفای تعهد مبنی بر الزام به حسابرسی در خصوص قرارداد اجاره..... ۱۸۸
۳۹- تسلیم مبیع (تحویل مورد معامله)..... ۱۹۰
۴۰- الزام خوانده به تنظیم و انتقال سند یک دستگاه کامیون..... ۱۹۲
۴۱- الزام به تنظیم سند خودرو و انتقال سند یک دستگاه خودرو..... ۱۹۳
۴۲- بطلان وکالت‌نامه و الزام به تنظیم و انتقال سند رسمی و الزام به صدور سند مالکیت..... ۱۹۴
۴۳- اثبات مالکیت نسبت به یک دستگاه آپارتمان و الزام به ایفای تعهد مبنی بر الزام به انجام تعهدات قراردادی مبنی بر تکمیل ساختمان و الزام به اخذ پایان‌کار و صورتمجلس تفکیکی..... ۱۹۶
۴۴- اعلام بطلان معامله(عقد بیع) و ابطال سند رسمی، اعلام بطلان عقد رهن، ابطال قرارداد رهن و اثبات مالکیت نسبت به یک دستگاه آپارتمان..... ۱۹۸
۴۵- تسلیم مبیع (الزام خوانده به تحویل زمین مورد معامله)..... ۲۰۱
۴۶- اثبات وقوع عقد بیع و الزام به تنظیم سند رسمی ملک..... ۲۰۳

۴۷- الزام به تنظیم سند خودرو و الزام به فک پلاک خودرو..... ۲۰۴
۴۸- الزام به فک رهن پلاک ثبتی..... ۲۰۵
۴۹- تجویز انتقال منافع یک باب مغازه به غیر..... ۲۰۸
۵۰- اثبات شراکت (احراز وقوع عقد شراکت مدنی)..... ۲۰۹
۵۱- اثبات عقد هبه یک دستگاه خودرو و تائید رجوع از هبه و اثبات مالکیت و الزام به تنظیم سند رسمی..... ۲۱۱
۵۲- اثبات وقوع عقد قرض و مطالبه وجه..... ۲۱۴
۵۳- مطالبه اجرت المثل ایام تصرف، مطالبه وجه بابت خرید منبع آب و پرداخت قبوض، الزام به تحویل اسناد و مدارک..... ۲۱۶
۵۴- اثبات وقوع عقد بیع شفاهی و مطالبه وجه..... ۲۱۹
۵۵- اثبات وقوع عقد بیع نسبت به یک باب حیاط مسکونی و الزام خوانده به تحویل و تسلیم مبیع..... ۲۲۱
۵۶- الزام خوانده به ایفای تعهد موضوع قرارداد مشارکت در ساخت..... ۲۲۴
۵۷- اثبات وقوع عقد بیع نسبت به یک دستگاه کامیونت یخچال دار و اثبات مالکیت و الزام به تنظیم سند رسمی..... ۲۲۵
۵۸- تخلیه یک باب مغازه و مطالبه اجور معوقه..... ۲۲۷
۵۹- الزام خوانده به تحویل مبیع صد تن ریشه شیرین بیان خشک و اثبات وقوع عقد بیع..... ۲۲۹
۶۰- اثبات وقوع عقد بیع نسبت به یک باب آپارتمان، اثبات مالکیت و الزام به تنظیم سند رسمی و اثبات هبه غیر معوض و تائید رجوع از هبه غیر معوض..... ۲۳۱
۶۱- الزام فروشنده به تحویل و تسلیم زمین مشاعی..... ۲۳۵
۶۲- الزام خوانده به ایفای تعهد مبنی بر تحویل درب و پنجره و مطالبه وجه التزام..... ۲۳۶
۶۳- اثبات وقوع عقد معاوضه و اثبات مالکیت منافع و اثبات مالکیت زمین، ابطال سند رسمی و الزام به تنظیم سند رسمی..... ۲۴۰

۶۴- الزام خوانده به استرداد اموال منقول و الزام خوانده به پرداخت خسارات ناشی از تعطیلی کسب و کار از باب تسبیب ۲۴۴
۶۵- اثبات شراکت مدنی جهت محل کسب جهت تهیه غذا (فست فود) و تقسیم اموال مشترک ۲۴۶
۶۶- الزام به تنظیم سند خودرو و فک پلاک و اخذ پلاک جدید به نام خواهان ۲۴۸
۶۷- اثبات مالکیت خواهان بر سر قفلی یک باب مغازه، احراز وقوع عقد اجاره ۲۵۰
۶۸- الزام به تنظیم سند رسمی اجاره غیر منقول نسبت به یک باب مغازه، تجویز انتقال منافع به غیر ۲۵۳
۶۹- الزام به ایفای تعهد مبنی بر تحویل میز و صندلی و الزام خوانده به تأدیه خسارت به دلیل عدم ایفای تعهد ۲۵۵
۷۰- اثبات وقوع عقد بیع نسبت به خرید خودرو و الزام به انتقال سند رسمی خودرو و الزام به فک پلاک خودرو و اثبات مالکیت ۲۵۸
۷۱- مطالبه وجه بابت ودیعه (قرض الحسنه) موضوع قرارداد عادی اجاره و مطالبه وجه التزام قراردادی ۲۶۰
۷۲- اثبات وقوع عقد صلح نسبت به سه دانگ منزل مسکونی و الزام به تنظیم سند رسمی و الزام به فک رهن ۲۶۳
۷۳- الزام به تنظیم سند خودرو و الزام به فک پلاک خودرو ۲۶۸
۷۴- الزام به ایفای تعهدات طبق قرارداد دستنویس ۲۷۰
۷۵- ایفای تعهد مبنی بر انتقال ۳ دانگ آپارتمان ۲۷۲
۷۶- الزام به ایفای تعهد مبنی بر استرداد اسناد عادی ید ما قبل و مطالبه وجه التزام ..۲۷۴
۷۷- بطلان و بی اعتباری عقد صلح، ابطال سند صلحنامه و ابطال سند وکالت‌نامه ۲۷۹
۷۸- الزام خوانده به تحویل و تسلیم دو قطعه زمین و اعلام بطلان معامله ۲۸۴
۷۹- الزام به تنظیم سند رسمی اجاره یک باب انبار و اثبات وقوع عقد اجاره ۲۸۸
۸۰- اثبات وقوع عقد اجاره و اثبات مالکیت حق کسب و پیشه و تجارت و الزام به تنظیم سند رسمی اجاره ۲۹۱

۸۱- الزام به تنظیم سند خودرو و تسلیم مبیع ۲۹۹
۸۲- اثبات و احراز مالکیت خواهان نسبت به یک دستگاه کانکس و تسلیم مبیع ۳۰۱
۸۳- اثبات وقوع عقد بیع خودرو سواری و تسلیم مبیع و الزام به ایفای تعهدات قراردادی ۳۰۳
۸۴- تسلیم و تحویل مبیع یک دستگاه سی ان سی و مطالبه خسارت ناشی از عدم انجام تعهدات قراردادی ۳۰۴
۸۵- اثبات وقوع عقد بیع و اثبات مالکیت آپارتمان و الزام خوانده به تحویل مبیع ۳۰۶

فهرست منابع ۳۰۹
الف) فارسی و عربی ۳۰۹
ب) انگلیسی ۳۱۸

مقدمه

حقوقدانان اسباب ایجاد دین و تعهد را به دو دسته اعمال حقوقی و وقایع حقـوقی تقسیم نموده‌اند. وقایع حقوقی رویدادهائی هستند که آثار حقوقی آن نتیجـه اراده شخص نیست و به حکم قانون به وجود می‌آید. اعم از اینکه ایجاد واقعه ارادی باشد مانند غصب و اتلاف حال غیر و یا طبیعی باشد مانند مرگ و تولد شـخص. اعمـال حقوقی نیز اعلام اراده‌ای است که به منظور ایجاد اثر حقوقی خاص انجام می‌شود و قانون نیز اثر دلخواه را بر آن بار می‌نماید. به بیـان دیگـر عمـل حقـوقی بخشـی از اعمال ارادی است که اثر آنها با آنچه که فاعل می‌خواسته منطبق است مانند عقود و ایقاعات.[1] بنابراین عمل حقوقی به عقد و ایقـاع شـمول پیـدا مـی‌کنـد. موضـوع تحقیق حاضر بررسی عقود عهدی و تملیکی در حقوق ایران است.

در مورد عقود حقوقدانان تقسیمات مختلفی ارائه نموده‌انـد. عقـود منجـز و معلـق. عقود معوض و مجانی. عقود معین و نامعین. عقود رضائی و تشریفاتی و نیز تقسیم عقود به عهدی و تملیکی که موضوع تحقیق حاضر است. در مورد عقـود عهـدی و تملیکی در فقه و حقوق نظرات مختلفی ذکر شده است و انواع مختلفی برای آنهـا ذکر شده است. همچنین این بحث از نظر حقوق خارجی نیز باید مورد مداقه قـرار گیرد. اجمالا در برخی از مکاتب حقوقی تنها به عقود عهدی توجه کردند و برخـی از نویسندگان حقوق مدنی در ایران نیز این نظر را پذیرفته‌اند و در واقع عقد را عهد

۱-کاتوزیان، ناصر، اعمال حقوقی، شرکت سهامی انتشار، تهران، چاپ هشتم، ۱۳۸۱، ص ٦

می دانند. امّا نظر اکثریت حقوقدانان این است که تقسیم بندی عقود عهدی و تملیکی صحیح است و هر دو را پذیرفته‌اند. به طور کلی سه دسته تقسیم بندی از عقود به عمل آمده است. اول آن دسته از عقود که مقنن در قانون مدنی ایران مصوب ۱۳۰۷/۰۲/۱۸ از آنها نام برده است. به این ترتیب که مقنن بعد از آنکه در ماده ۱۸۳ قانون مدنی، عقد را تعریف نموده در ماده ۱۸۴ همان قانون پنج قسم عقد را نام برده است لازم، جایز، خیاری، منجز و معلق. در مواد ۱۸۵ تا ۱۸۹ قانون مدنی اشاره می نماید که هر کدام از این عقود چه تعریفی دارند. دسته دوّم تقسیم بندی‌های مستنبط از قانون مدنی است. یعنی برخی از تقسیم بندی ها به صورت ضمنی مورد قبول و استفاده قانون مدنی قرار گرفته‌اند. مثلاً تقسیم بندی عقود بر حسب چگونگی انعقاد آن ها که به عقود رضایی و عقود تشریفاتی تقسیم می‌شوند. تقسیم بندی سوم که تقسیم بندی های خارج از قانون است. در این زمینه باید گفت که تحولات و ضرورت های اجتماعی قراردادهای دیگری را پدید آورده اند که از آن قراردادها نامی در قانون مدنی برده نشده است. به عنوان مثال در این مورد از تقسیم عقود به عقود فردی و جمعی نام برده شده است.[1] بر اساس آنچه که گفته شد تقسیم بندی عقود به عهدی و تملیکی را می‌بایست در زمره تقسیم بندی دوم آورد و آن را مستنبط از قانون مدنی دانست. بنابرآنچه که مقدمتاً گفته شد در تحقیق حاضر برای بررسی عقود عهدی و تملیکی ابتداً باید به بررسی لغوی اصطلاحات عقود عهدی و تملیکی و نیز اصطلاحات مرتبط نظیر مالکیت و عهد و تملیک نظایر این‌ها پرداخته شود. سپس به بررسی عقود عهدی و تملیکی در حقوق پرداخته می شود. البته اصطلاح مالکیت به دلیل اهمیت آن و ارتباط آن با

۱- درودیان، حسنعلی، حقوق مدنی ۳، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۰، ص ۲۶.

عقود مورد بحث به صورت مبسوط مورد بررسی قرار گرفته است. البته قبـل از آن می بایست کلیاتی در باب مفهوم عقد و انواع عقد ذکر شود. آرای قضائی متناسب با موضوع با عناوین مختلف در ارتباط با عقود عهدی و تملیکی در فصل چهارم ذکـر شده‌اند.

با توکل بر خداوند متعال و ائمه اطهار و دماء شهداء این راه ادامه خواهد یافت.

در مدرسه گرچه دانش اندوز شوی وز گرمی بحث مجلـس افـروز شـوی
در مکتـب عشـق بـا همـه دانـایی سرگشته چـو طفـلان نوآمـوز شـوی

دکتر محمد مجتبی رودیجانی

قاضی دادگستری- مدرس دانشگاه

فصل اول

کلیّـــات

در این فصل به بیان کلیاتی مرتبط با بحث اصلی پرداخته می‌شود که کلید ورود به مباحث اصلی هستند.

«۱»

تعریف عقد

مطابق ماده ۱۸۳ قانون مدنی: ((عقد عبارت است از اینکه یک یا چند نفر در مقابل یک یا چند نفر دیگر تعهد بر امری نمایند و مورد قبول آنها باشد)). حقوقـدانان بـر این ماده ایرادات سنتی مطرح نموده اند. از جمله اینکه ماده ۱۸۳ قانون مدنی صرفا عقد عهدی (تعهد) را در بر می گیرد و عقود تملیکی را در بر نمی گیرد. زیرا مـاده ۳۳۸ قانون مدنی در تعریف عقد بیع مقرر نموده: ((بیع عبارت است از تملیک عید به عوض معلوم)). همچنین ماده ۱۸۳ قانون مدنی شامل عقود معوض نمی شـود و صرفا عقد مجانی و غیرمعوض را در بر می گیرد.[1] از جمله ایرادات دیگر بر این ماده گفته شـده کـه در مـاده ۱۸۳ قـانون واژه ی (نفـر) اسـتفاده شـده در حـالی کـه

۱- درودیان، حسنعلی، همان، ص ۲۲.

می‌بایست از واژه (شخص) استفاده می شد تا شخص حقوقی و شخص حقیقی را در برگیرد. در حالی که ماده ۱۸۳ فوق الذکر صرفا شخص حقیقی را شامل می شود. این در حالی است که مطابق ماده ی ۵۸۸ قانون تجارت: ((شخص حقوقی می تواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد قائل است مگر حقوق و وظایفی که بالطبیعه فقط انسان ممکن است دارای آن باشد مانند حقوق و وظایف ابوت و بنوت و امثال آن)).[۱] هیچ کدام از این ایرادات قابل قبول نیست. زیرا ماده ۱۸۳ قانون مدنی ایران ترجمه ماده ۱۱۰۱ قانون مدنی فرانسه است.

ماده ۱۱۰۱ قانون مدنی فرانسه مقرر نموده: ((عقد عبارت است از توافقی که به وسیله آن یک یا چند شخص در برابر یک یا چند شخص دیگر تعهد می کنند که چیزی را تسلیم کنند یا عملی را انجام دهند یا عملی را انجام ندهند)).[۲] در واقع ماده ۱۱۰۱ قانون مدنی فرانسه عقد عهدی را تعریف نموده و اصولاً در مقام تعریف عقد تملیکی نبوده است. آنچه که حقوقدانان به عنوان ایراد بر تعریف عقد بیان می کنند در واقع ایراد در ترجمه ماده ۱۱۰۱ قانون مدنی فرانسه است. اگر به همین شکل که ترجمه بیان شده در قانون مدنی ایران ذکر می شد، هیچ کدام از این ایرادات وارد نبود. امّا اینکه بگوییم تعریف اشتباه است ایرادی صحیح نیست. زیرا صرفاً تعریف عقد عهدی مورد نظر بوده است و طبق ماده ۱۱۰۱ قانون مدنی فرانسه ایرادی بر آن وارد نیست. در حقوق ایران برای اینکه تعریف عقد تمامی انواع عقد را در برگیرد و تعریف جامع و مانعی باشد عقد را به این صورت تعریف می کنیم. عقد عبارت است از توافق اراده دو یا چند شخص برای ایجاد اثر حقوقی که این اثر حقوقی اعم است از تملیک،

۱- قاسمی حامد، عباس، حقوق مدنی ۳، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران، بی‌تا، ص ۱٤

۲- شهیدی، مهدی، تشکیل قراردادها و تعهدات، انتشارات مجد، تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۲، ص ٤۷

تعهد، شراکت، زواج، سقوط تعهد و غیره.

با این تعریف ایرادات سابق برطرف شده و مواجهه با تعریفی جامع و کامل هستیم.

«۲»

تعریف تعهد

تعهد عبارت است از ایجاد عهد بر عهده شخص و به شخصی که عهد بر عهده وی قرار گرفته متعهد گفته می‌شود. به تعهدی که دو طرف در برابر هم متعهد می‌شوند نیز تعاهد گفته می‌شود. چنانکه گفته شده: ((ان التعاهد انمّا یکون بین اثنین)).[۱] به متعهد، ملتزم نیز گفته می شود[۲] و ((تعهدت الشی)) به معنی ((حفظه)) آمده است و اگر بگوییم زید در برابر عمرو متعهد شد فصیح‌تر است از اینکه تعاهد را به کار ببریم، زیرا تعاهد همانطور که گفته شد تعهد دو طرفی است[۳] و در مقابل آن عقود یک تعهدی به کار برده می‌شود.[۴] لفظ دیگری که در لغت عربی مترادف با تعهد به کار می‌رود ((التخول)) است. ((تخول الرجل)) به معنی ((تعهده)) آمده است و الخائل نیز به معنی ((المتعهد للشیء)) آمده است.[۵] اصل کلمه ((الخول)) از ((فاس اللجام)) است و آن به معنی آهن لجام که در که در دهان قرار گیرد آمده

۱- ابن منظور، ابی الفضل جمال الدین محمد بن مکرم، قم، نشر ادب حوزه، ۱٤۰۵ هـ صص ۳۱۳ و ۳۱٤

۲- فتح الله، احمد، معجم الالفاظ الفقه الجعفری، بیروت، بی نا، چاپ اول، ۱٤۱۵ هـ ص ۲٦۲

۳-الطریحی، شیخ فخرالدین، مجمع البحرین، قم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، بی تا. چاپ سوم، ص ۲۷

٤-درودیان، حسنعلی، حقوق مدنی ۳، همان، ص ٦۲

۵- الرازی، محمد ابن ابی بکر، مختار الصحاح، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱٤۱۵ هـ ص ۱۰۷

است.[۱] جمع معانی گفته شده را می‌توان در این جمله خلاصه نمود: به عهده گرفتن عهد و پیمان. پس متعهد کسی است که حق دینی بر عهده دارد[۲] و حق دینی نیز عبارت است از:((حقی که شخص بر دیگری پیدا می کند و می تواند از او انتقال و تسلیم مال یا انجام دادن کاری را بخواهد)).[۳] در حقوق انگلیس در تعریف تعهد گفته شده: یک وظیفه قانونی یا اخلاقی بر انجام دادن کاری یا خودداری از انجام عملی.[۴]

«۳»

تعریف متعهد

متعهد عبارت است از کسی که ملتزم به انجام یک تعهد است که می تواند انجام عمل یا پرداخت دینی باشد.[۵] برای اجرای قرارداد (تعهد) شرایط عامی لازم است که در واقع همان شرایط اساسی می باشد و در مواد ۱۹۰ به بعد قانون مدنی ایران به آنها اشاره شده است. در مورد شرایط متعهد یا پرداخت کننده دو شرط اصلی در نظر گرفته شده است.

۱- مالکیت پرداخت کننده بر مالی که تأدیه می شود.

۱- جرّ، خلیل، فرهنگ لاروس، ترجمه سید حمید طبیبیان، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ نهم، جلد دوم، ۱۳۷٤، ص ۱٥٤.

۲- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۱، ص ٦۱۳

۷- کاتوزیان، ناصر، نظریه عمومی تعهدات، تهران، نشر دادگستر، چاپ اول، ۱۳۷۹، ص۲٥

8-((A legal or moral duty to do or not do something.)) See: A. garner, bryan, Blackes Law dictionary, Dallas, Thomson west, 1th edition, 2004, p:۱۱۰٤

5 –Ibid. P :1106

۲- اهلیت تصرف در آن مال.[۱]

ماده ۲۶۹ قانون مدنی ایران مقرر نموده:((وفاء به عهد وقتی محقق می شود که متعهد چیزی را که می دهد مالک یا ماذون از طرف مالک باشد و شخصاً هم اهلیت داشته باشد)). به کار بردن واژه اهلیت در این ماده را باید به این صورت تفسیر نمود که نوعی مسامحه است، زیرا ماده ۲۶۹ قانون مدنی ناظر به مرحله تسلیم است نه ناظر به مرحله تعیین مورد تعهد در مواردی که کلی است زیرا در مرحله تعیین اهلیت لازم است چون یک عمل حقوقی است[۲] ولی در اینکه تنها تکلیف تسلیم به عهده متعهد است و حتی اگر در فاصله انعقاد معامله و تسلیم، محجور شود باید تسلیم انجام شود.[۳] البته اثر لزوم اهلیت به معنی خاص آن در جائی است که ایفای تعهد موجب تصرف در امور مالی متعهد شود و مثال بارز آن همان تعیین فردی از افراد کلی می‌باشد. بنابراین اهلیت تصرف به معنی توانائی اداء و پرداخت در مواردی است که تعیین فرد مورد تعهد نیاز است و به عبارت دیگر وفاء با عمل حقوقی تملیک یا انتقال صورت می گیرد.[۴] ماده ۳۴۵ قانون مدنی ایران مقرر نموده: ((هر یک از بایع و مشتری باید علاوه بر اهلیت قانونی برای معامله اهلیت برای تصرف در مبیع یا ثمن را نیز داشته باشند)).

«۴»

تعریف متعهدله

۱- کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ چهارم، جلد چهارم، ص ۱۲

۲- قاسم‌زاده، سید مرتضی، اصول قراردادها و تعهدات، تهران، چاپ اول، نشر دادگستر، ۱۳۸۳، ص ۱۷۷

۳- کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، همان، جلد چهارم، ص ۱۶.

٤- امامی، سید حسن، حقوق مدنی، تهران، اسلامیه، چاپ چهارم، جلد اول، ۱۳٦۳، ص ٤۲۳.

متعهدله شخصی است که تعهد به نفع او اجرا می شود[1] و از او به عنوان گیرنده پرداخت نیز تعبیر شده است.[2] ماده ۲۱۷ قانون مدنی ایران مقرر نموده: ((دین باید به شخص داین یا شخصی که از طرف او وکالت دارد تأدیه گردد یا به کسی که قانونا حق قبض دارد)).

ماده ۲۷۴ قانون مدنی مقرر نموده: ((اگر متعهدله اهلیت قبض نداشته باشد تأدیه در وجه او معتبر نخواهد بود)). مطابق ماده ۶۲۸ قانون مدنی در همین راستا مقرر نموده:((اگر در احوال شخص امانت گذار تغییری حاصل گردد مثلاً اگر امانت گذار محجور شود عقد ودیعه منفسخ و ودیعه را نمی توان مسترد نمود مگر به کسی که حق اداره کردن اموال محجور را دارد)). منظور از اهلیت قبض را نویسندگان حقوقی، اهلیت قانونی می دانند.[3] در نتیجه قبض محجور صحیح نیست. کسانی که قانوناً حق قبض دارند مانند وکیل، ولی، قیم و وارث می باشند که تأدیه به این اشخاص نیز صحیح است ولی تأدیه به غیر این اشخاص هنگامی صحیح است که دائن راضی شود ((ماده ۲۷۲ قانون مدنی ایران).

در فقه نیز به اهلیت قبض برای متعهدله اشاره شده است. در صورتی که متعهد له اهلیت قبض نداشته باشد باید موضوع تعهد به کسی تأدیه شود که قبض او معتبر است مانند قبض والد از طرف ولد.[4]

---

1 –One to when an obligation owed, promisee, creditor.

۲– علی احمدی، حسین، اجرای تعهد قراردادی، ورامین، انتشارات برهمند، چاپ اول، ۱۳۷۵، ص ۲۰۲

۳– شهیدی، مهدی، سقوط تعهدات، تهران، نشر حقوقدان، چاپ چهارم، ۱۳۷۷، ص ۳۳ و علی آبادی، علی، ایجاد و سقوط تعهدات ناشی از عقود در حقوق اسلامی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۸۱، ص ۲۹۶.

٤– الکرکی، علی ابن الحسین، جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم، مؤسسه آل البیت، چاپ اول، جلد پنجم، ۱٤۱۰ ه،ـ ص ۳۹۳ و العاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)، مسالک الافهام، قم مؤسسه معارف الاسلامیه، چاپ اول، جلد چهارم، ۱٤۱۳ هـ ص ۱٦۰.